

نماهنگی به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای حمله تروریستی کرمان/ صدر خبر به کاپشنی صورتی رسید



photo: Sarallah Ankouti

شناسه خبر : ۱۳۵۳۶۱ دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲ - ۱۵:۱۰

۴۰ روز از حمله تروریستی میان مردمی که تنها گناهایشان حضور در مراسم سالگرد قهرمان وطنشان - سردار قاسم سلیمانی - بود، می گذرد.

به گزارش موج خبر، ۴۰ روز از حمله تروریستی میان مردمی که تنها گناهایشان حضور در مراسم سالگرد قهرمان وطنشان - سردار قاسم سلیمانی - بود، می گذرد، افرادی که نه جزو دسته های سیاسی بودند و نه جرمی مرتکب شده بودند در دو انفجار که توسط تروریست های داعشی انجام شد تکه تکه شدند، شهدایی که خونشان برهانی شد بر مظلومیت یک ملت که سال ها نخواست زیر بار ظلم برود.

تصاویر بسیار تلخی در این حادثه ثبت شد که دل هر انسان آزاده‌ای را به درد می‌آورد، دخترکی که تازه داشت زندگی را می‌چشید و خانم جوانی که قرار بود درس آزادگی به دانش‌آموزان خود بدهد، حالا با دادن جان‌شان درس بزرگتری دادند،

به همین مناسبت و به یاد همه شهدای عزیز حمله تروریستی کرمان می‌توانید کلیپی را که توسط سازمان فرهنگی هنری موج خبر تولید شده است، اینجا ببینید.



اشک اعتراف کرد به غم خنده بغض کرد

متن خبر چه بود که گوینده بغض کرد
عرض سلام ، عرض ادب، عرض تسلیت

خون می‌دهد نشان که سیاه است وضعیت
غم می‌رسد ز راه دل آشفته می‌شود

به این رویه شیفتگی گفته می‌شود
مشتاق وصل و خسته ز هجران می‌آمدند

پای قرار عشق پریشان می‌آمدند
چون رود در مسیر به قصد روان شدن

در سر هوای غرق شدن، بی‌کران شدن
می‌خواستند زائر سردارشان کنند

رفتند تا مقیم به گلزارشان کنند
شیطان که چشم دیدن خورشید را نداشت

پا بر روی ارادت فانوس‌ها گذاشت
هرچند فصل سوز و صدای تگرگ بود

اما درخت عاطفه پر شاخ و برگ بود
مستی نه از پیاله نه از می شروع شد

از اشک صبح سیزده دی شروع شد
گوش رسانه‌های جهان پر ز پنبه بود

القصة ماجرا سحر پنجشنبه بود
کوه از کمر شکست در این غم رکوع کرد

خورشید روز واقعه خونین طلوع کرد
اخبار حس حسرت و دندان‌قروچه داشت

روضه اشاره‌ای به مصیبات کوچه داشت
شیطان به شهرت از سر بی‌غیرتی رسید

صدر خبر به کاپشنی صورتی رسید
آغوش بود سکوی پرواز کردنش

مادر در آرزوی زبان باز کردنش
سرگرم کود کانه‌ترین حالت خودش

شش ماه مانده بود به جشن تولدش
از فرط داغ پیرهن اشک پاره بود

مشروخی از وقایع یک گوشواره بود
اخبارگوی واقعه بد گریه‌اش گرفت

سردار زیر سنگ لحد گریه‌اش گرفت
دلشوره سهم دیده‌ی مردم شده است

باز از خانواده دختر کی گم شده است باز
می‌رفت آه اهل زمین تا به آسمان

در سوگ بخت دختر معصوم نوجوان
شنبه شد و زمان حضور و غیاب بود

در بین سردخانه چنان ماه خواب بود
در مدرسه صدایش زدند و نبود آه

خوابیده بود در دل یک کاور سیاه
ما درد می‌کشیم چرا که طبیب نیست

مانند شیعه در همه دنیا غریب نیست
ما حال‌مان خراب شده خوب نیستیم

ما صبرمان تمام شد ایوب نیستیم
فریاد می‌زنیم به فریادمان برس

ما جان به لب شدیم امام زمان برس
رگ‌های شمر منتظر ذوالفقار توست

این انتقام سخت به‌والله کار توست
لبریز زخم، سخت به‌دنبال مرهمی

اهریمنان پست زیادند و ما کمیم
یا رب ظهور را ز تو درخواست می‌کنیم

ما روز انتقام کمر راست می‌کنیم

انتهای پیام/+

انتهای پیام/